



نامه ملک الشعراء به همسرش در دوران نامزدی

به سودایه بهار  
قربانت بروم. مراسم عزیزت را زیارت کردم،  
روحم تازه شد و شغفم بی اندازه گشت. دیروز تو  
خوش که روز من کردی، خوشی، اما عزیزم هر چه  
در مصاحبه ساکت و بی حرف اید، در مراسم، عربی  
نویس و عبارت پردازید. من میل دارم هر چیزی  
طبیعی باشد. ساده نویسی و همان چیزی که انسان  
می خواهد بگوید، همان را گفتن و نوشتن بهتر از فکر  
کردن و عبارت پیدا کردن است. راست است اوایل  
برای کسانی که کم کار کرده اند و کم چیز نوشته اند  
مشکل است که بتوانند مقاصد قلبی و احساسات  
باطنی خود را روی کاغذ بیاورند ولی رفته رفته به  
مجاهدت و کوشش می توان این طور شد. با کوشش  
و سعی به همه چیز می توان رسید. امیدوارم به زودی  
سبک چیز نویسی شما تغییر کند. یعنی من خودم باید  
شما را به کار وادارم. و با شما سرو و کله بزنم تا سبک  
نویسندگی جدید را بلد شوید و از عبارات قدیمی که  
ایدا نه اثر دارد و ته قشنگی از او باقی مانده است،  
صرف نظر فرمایید. حالا نمی شود به شما این تحمیل  
را روا داشت. این از وظایف من است.

بازی عزیزم اگر احوال مرا می پرسی، خوب است.  
همان قدر که تو از تاخیر عروسی و تعویق ملاقات،  
کسل و انده ناک، من چندین برابر کسلم ولی  
امیدوارم به زودی از شر آدم های پدر سوخته و طول و  
تفصیل این ها خلاص شده، شما هم کارها تان تمام  
شود. چون شما پر روزها اید با من صحبت نکردید.  
من هم تقریباً از شما نیمه قهرم و دیگر قبیل از شبیه  
موجوده میل ندارم شما را ملاقات کنم. برای این که بر  
من ثابت شده، ملاقات من برای شما اسباب خوشی  
نیست. تمام را به منکوت و بهت می گذرانید و مرا  
مجبور می کنید که مثل بچه ها شوخی کرده و  
حرفهای پرت و پریشان بگویم. باز هم بی فایده باشد  
و شما حرف نزنید. در اینصورت آیا بهتر نیست که شما  
را اذیت نکرده باشم و خودم را هم غصه نداده باشم.  
منتظر وصول خط شریفتم هستم.

قربانت می روم  
م بهار



مراه خطم و برادر همدی در برابر تصویر آینه خانه در ایران نامه بهار



با در بران شاه خورشید و در بران اشرف بهار - خرداد ۱۳۰۵

تصنیفی چاپ نشده از ملک الشعراء  
سرود ای ایران

شعر از ملک الشعراء بهار.  
آهنگساز: یحیی زرین پنجه، در دستگاه ماهور  
خواننده: جمال صفوی  
گوازندگان: قاره یحیی زرین پنجه، ویولون نوزاد، پیانو، استوار  
پند اول:  
ایران روز هنر است، ای ایران، روز فتح و ظفر است ای ایران.  
ای ملک چم، مهد عجم، تا کی دژم، کن جنبشی ای ایران.  
کن جنبشی، شب شد سحر، سرزاق آفتاب و سمر.  
ای ایرانی کن جنبشی، کن جنبشی، کن جنبشی اندر هنر.  
بر خیز از خواب، شب شد سحر، بردار و سر، برون کمر چون شیر تر.  
این هم وطن، رفت از نظر، عهد کهن، نوشد وطن.  
ای ایرانی، در ره عز و شرف، جان نه به کف، سینه کن سپر.  
این ناداری، باشد پاری از نادانی، از بی باری، میکن حذر.  
در راه تو، اشکم جاری، زین غم خواری، شد گلناری، زین چشم تر.  
پند دوم:  
ایران روز هنر است، ای ایران، روز فتح و ظفر است، ای ایران  
ملک کیان، یوم آریان، از دشمنان یکسر شده ویران.  
مازنی پسر، زین عصر نو، هشیان شو، تپیری نهر، فرزند من  
دلشدمن، پشتو دل این پند من، جان پشتر.  
بردار و هان، ای نوجوان، سر را از این خواب گران.  
پیش از سحر، خواهی اگر، گردی قوی، ورزش نما.



۱۳۰۵ در سیر هفتاد ساله از سرگردان بهار. همراه من از بهار راه ایران استرک بطریق بازی هسته -



بازاری من سرگردان - گروه مستر داد و پند - گروه مستر بهار - سرگردان بهار - گروه مستر بهار - گروه مستر بهار

تصنیف های بهار، تصنیف سازی از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و آغاز  
مشروطه به عنوان تریبونی آزادی و واکنشی در برابر قدرت زورمداران و انتقاد از شیوه  
کار حکومت و اوضاع و احوال مملکت بود. بویژه روزنامه ها نمی توانستند به آسانی از  
شاه و هیات حاکمه انتقاد کنند. ملک الشعراء بهار که هر دم به بهانه های گوناگون خود  
و یا روزنامه نویهارش توقیف می شد ناچار همواره سرودن شعرهای سیاسی و اجتماعی  
به تصنیف سازی نیز متوسل می شد تا پیام خود را در مورد آزادی و عدالت ابلاغ کند.  
سبک بهار در تصنیف سازی دل نشین و با مضامین ادبی و عاشقانه شروع می شود و در  
پایان با انتقاد از طرز کار حاکمان پیام خود را ابلاغ می نماید. آشنایی بهار با موسیقی در  
موفقیت تصنیف هایش نقش موثری داشته اند که مورد توجه همگان قرار گرفته اند.  
ملک الشعراء بهار در مجموع ۴۴ تصنیف ساخته است که در چاپ اول دیوان اشعارش  
همه آنها به ثبت رسیده اند.  
در آخرین چاپ دیوان اشعار بهار که در سال ۱۳۸۰ به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت  
باز به کوشش خانم چهارزاد بهار انجام شده است از ۴۴ تصنیف ذکر می به میان آمده است.  
پس انجام با کوشش و پیگیری و جستجوی فراوان از اینجا و آنجا در کتابها و  
سرگذشت های مختلف و صفحات گرامافون دوران گذشته موفق به کشف ۴۴ تصنیف  
از آن آزادی خواه نامدار شده ایم که انشاء الله تعالی همه آنها در چاپهای بعدی دیوان  
اشعار ملک الشعراء بهار گنجانیده خواهند شد.

۱۳۸۱ شهریور  
دکتر یحیی معاصر



مراه خطم و برادر همدی در برابر تصویر آینه خانه در ایران نامه بهار